



ناصر بزرگمهر

قرن ۲۱ متعلق به دانش روابط عمومی است

● تصور دهکده جهانی و یکی شدن مردمان زمین در کیهکشان هستی، دیگر خیال نیست، دولت‌ها نمی‌توانند با مرزهای زمینی و سیم خاردار و دیوارهای چین و برلین، کودکان آینده را از دوستی، رفاقت، همدلی، همگامی و استفاده از دانش همگانی و تجربه‌های تاریخی منع کنند.

می‌گویم، مگر به قرن بیست و یکم رسیده‌ایم؟ می‌خندد، می‌خندم. قول می‌دهی که مقاله‌ای بنویسی و بعد در گل می‌مانی.

□

کمی طنز!

راستی به قرن بیست و یکم رسیده‌ایم؟

حتماً دوستان اشتباه کرده‌اند، سال ۲۰۰۰ پایان قرن بیستم است، قرن بیست و یکم با ژانویه ۲۰۰۱ آغاز می‌شود، بنظر می‌رسد که همکاران مطبوعاتی پیشی گرفته‌اند! اما فرض کنیم، این یک سال هم گذشت، آیا ما به قرن بیست و یکم خواهیم رسید؟ نه، باز هم

تلفن زنگ می‌زند.

فکر می‌کنم آغازگر دهکده جهانی مک لوهان نیست، گراهام بیل است. اوست که با سیم‌های تلفن تئوری دهکده جهانی را در سال‌های پایانی قرن نوزدهم به حقیقت نزدیک کرد.

تلفن همچنان زنگ می‌زند.

گوشی را برمی‌داری، بعد از سلام و علیکی می‌گوید، چه تصویری از قرن ۲۱ دارید؟

دانشجوی سر و زبان دار تو بوده است، خبرنگار هم که شده، راه بر تو بسته می‌شود.

دوستان اشتباه کرده‌اند، ما هنوز در قرن چهاردهم هجری شمسی سرگردان هستیم و در قسمت‌های پایین کره زمین، در سال ۱۳۷۸ هجری شمسی زندگی می‌کنیم.

اگر هم با کمی ارفاق با موضوع برخورد کنیم و سال ۱۴۲۰ هجری قمری را بخاطر کلماتی که با ته لهجه عربی و مخرج آن تلفظ می‌کنیم مبدأ زندگی خود تصور کنیم باز هم در قرن پانزدهم هجری قمری هستیم.

قرن چهاردهم یا پانزدهم، خیلی فرق نمی‌کند، اما ربطی به قرن بیست و یکم ندارد!

شش یا هفت قرن دیگر لازم است تا سال ۲۰۰۱ هجری شمسی یا هجری قمری از راه برسد، همکاران مطبوعاتی باید شش هفت قرن صبر می‌کردند، هر تصویری که از شش هفت قرن دیگر ارایه کنیم، فقط یک خیال و رویا است. اهل عقل می‌گویند، وقتان را برای رویاها هدر ندهیم.

کمی تغییر!

روزنامه انتخاب را بر می‌دارم و می‌خوانم. دوست عزیز و ارجمندم، مجید رضائیان در یادداشتی در همان صفحه اول روزنامه نوشته است، تغییر یک واقعیت است، چه ما بخواهیم، چه نخواهیم، چه بپسندیم و یا نپسندیم و از گالیله مثال زده است که با زبان، در دادگاه تفتیش عقاید قرون وسطی از ثوری کشف گردش زمین به دور خود توبه می‌کرد، اما با انگشت پا در همان لحظه بر روی زمین می‌نوشت که زمین، تو همچنان به گرد خویش بگرد.

اهل دل می‌گویند، وقت مان را برای رویاها هدر بدهیم شاید روزی رویاها به حقیقت پیوست.

همچنان که دادگاه تفتیش عقاید قرون وسطی هم فهمید که زمین به گرد خویش می‌چرخد. حرف رضائیان را آویزه گوش دل می‌کنم، تصور می‌کنم، قرن بیست و یکم رسید.

● همه دانش روابط عمومی را
کودکان جهان می‌دانند، کودکان
زیر ده سال بهتر می‌دانند، آنها
ژنی این دانش را کسب می‌کنند،
آنها همدیگر را نگاه می‌کنند،
لبخند می‌زنند و عاشق می‌شوند.
بقول عوام، روابط عمومی در خون
آنها است.

کمی کودکانه!

ماده‌های مختلف «پیمان جهانی حقوق کودک» را زیر و رو می‌کنم، می‌خوانم، تا شاید راهی برای اشاعه «پیمان نامه جهانی حقوق کودک» که ده سال پیش، بیشتر کشورهای سازمان ملل متحد آن را امضاء کرده‌اند، در ایران پیدا کنم.

۵ سال است که دولت جمهوری اسلامی با تصویب مجلس شورای اسلامی به امضاء کنندگان این پیمان بین‌المللی و جهانی ملحق شده است. یعنی در آخرین دهه هزاره دوم میلادی بعد از آنکه میلیاردها انسان بر روی کره زمین متولد شدند، رشد کردند و مردند، بعد از آنکه چند هزار سال از تاریخ قبل از میلاد مسیح و ۱۹۹۰ سال بعد از میلاد مسیح گذشت، نمایندگان شش میلیارد انسان روی کره زمین پیمان نامه جهانی حقوق کودک را که مربوط به سه میلیارد کودک بود امضاء کردند. و شما می‌دانید که گاهی از امضاء کردن تا اجرا کردن فاصله‌ای به طول زمان است. اما همین تدوین حقوق اولیه انسانها را بعد از چند هزار سال تاریخ مدون، اهل دل و اهل عقل به فال نیک گرفته‌اند.

کمی پیمان نامه حقوق کودکان!

اولین ماده «پیمان جهانی حقوق کودک» می‌گوید «کودک کسی است که سن او کمتر از ۱۸ سال باشد». می‌گویند نیمی از جامعه جهانی را کودکان کمتر از ۱۸

سال تشکیل می‌دهند. آیا این سه میلیارد انسان، نیمی از امکانات کره زمین را در اختیار دارند؟

آیا کودکان، نوجوانان و حتی جوانان در جهان پیشرفته، در آمریکا و اروپای لبریز از تکنولوژی یا در آسیا و آفریقای محروم از امکانات اولیه، به بخشی از آرزوهای کوچک و بزرگ خود دست یافته‌اند؟

آیا دولت‌ها که همیشه تاریخ در دست بزرگسالان بوده است، ابزار و امکانات و شرایط مطلوب را برای نیمی از جمعیت جهان فراهم کرده‌اند؟

بررسی کارنامه تاریخی هزاره دوم، نشان می‌دهد که این شرایط در اکثر کشورهای جهان فراهم نشده است. قرن بیست و یکم میلادی برای آنهایی که در کنار امضایشان سال ۲۰۰۱ را رقم می‌زنند و یا برای دیگری که می‌توانند با استفاده از تکنولوژی ماهواره و اینترنت و هواپیما، خود را در دهکده جهانی تصور کنند، می‌تواند نوید روزهای بهتر برای صلح جهانی، گفتگوی تمدن‌ها و تحقق موادی که در پیمان نامه‌های بین‌المللی بر روی خانه‌های کاغذی به امضاء دولت‌ها رسیده است، باشد.

تحقق قراردادهای جهانی مثل پیمان جهانی حقوق بشر، پیمان جهانی حقوق کودک، پیمان جهانی رفع تبعیض از حقوق زنان، آرزوی همگانی است.

ماده دو پیمان نامه جهانی حقوق کودک از منع تبعیض می‌گوید: «دولت‌ها باید کودکان را در برابر هر گونه تبعیض حمایت کنند.»

کودکان به علت شرایط سنی خود آسیب‌پذیرند و نیاز به حمایت و مراقبت بزرگترها دارند، آسیب‌پذیری کودکان ایجاب می‌کند که با وضع قوانین مناسب و حمایت و مراقبت بیشتر از آنان، رشد و سلامت جسم و روان آنها را تأمین کنیم.

پیمان جهانی حقوق کودک بر اساس نیازهای کودکان که ناشی از ضرورت‌هایی مثل اهمیت دوران کودکی، آسیب‌پذیری کودکان، تفاوت کودکان با بزرگسالان تهیه شده است.

● تغییر یک واقعیت است، چه ما بخواهیم، چه نخواهیم، چه بپسندیم و یا نپسندیم.

گاليله در دادگاه تفتيش عقايد قرون وسطی با زبان، از تئوری کشف گردش زمین بدور خود توبه می‌کرد، اما با انگشت پا در همان لحظه بر روی زمین می‌نوشت، که زمین، تو همچنان به گرد خویش بگرد.

دوران کودکی در رشد و پرورش انسان‌ها از نظر جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی اهمیت ویژه‌ای دارد. در واقع پایه و اساس رشد آدمی در سال‌های کودکی شکل می‌گیرد.

توجه به این دوران و تلاش در راه بهتر کردن شرایط زندگی کودکان، امری ضروری و حیاتی است.

باید این شعار را آغاز کنیم، قرن بیست و یکم می‌تواند، قرن کودکان نامیده شود.

ماده‌های سه و چهار پیمان نامه از منافع کودکان و تحقق حقوق کودکان می‌گوید. تحقق حقوق کودک در قرن بیست و یکم می‌تواند یک رویا نباشد.

ماده شش پیمان نامه از بقاء و پیشرفت کودک حرف می‌زند «هر کودک دارای حق طبیعی زندگی است و دولت‌ها باید زندگی، بقاء و رشد کودک را تضمین کنند.»

تضمین حقوق کودک و رشد و بقاء او در هر کشور مستلزم بسیج عمومی و تلاش همگانی است. باید بزرگترها باور کنند که کودکان دارای حقوقی هستند که خود قادر به دستیابی آن نیستند.

ضرورت قوانین خاص برای کودکان از این اصل مهم روانشناسی و پزشکی ناشی می‌شود که کودکان نه تنها از نظر کمیت، بلکه از نظر کیفیت هم با بزرگسالان تفاوت‌های اساسی دارند.

پذیرفتن پیمان جهانی حقوق کودک از طرف بیش از

۱۹۰ کشور جهان و تعهد به اجرای آن، این امکان را برای کودکان بوجود آورده است که باور کنیم هزاره سوم متعلق به کودکان خواهد بود.

گشت و گذاری در شرایط تاریخی اجتماعی جوامع، نشان از عبور دوران‌های زن سالاری، مادر سالاری، پدر سالاری، مرد سالاری و رسیدن به دوران فرزندسالاری است.

واژه «سالاری» باید در جهان آینده از فرهنگ عمومی حذف شود. جهان آینده متعلق به نیک اندیشان و دلها و ضمیرهای آگاه و خردمند است. در جهان آینده کودکان حق خواهند داشت که در شرایطی نه کمتر، نه برتر به جامعه بزرگسالی بپیوندند.

«پیمان جهانی حقوق کودک» ویژگی‌هایی دارد که آن را از سایر پیمان‌های بین‌المللی برای تحقق آرزوهای دیرینه بزرگسالان در صلح جهانی متمایز می‌سازد. کودکان بهانه خوبی هستند برای آنکه، سیاست نتواند بر مواد پیمان نامه سایه بیندازد.

مواد هفت و هشت پیمان نامه از نام و ملیت و هویت کودک دفاع می‌کند.

کشورهای مختلف جهان از نظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با همدیگر تفاوت‌های بسیار دارند. اما اکثریت کامل آن‌ها، الحاق به این پیمان جهانی را پذیرفته‌اند. این امر نشان می‌دهد که دولت‌ها به زندگی کودکان اهمیت می‌دهند و به این نکته باور دارند که کودکان امروز، سازندگان فردای جامعه هستند.

کودکان بیشترین تعداد جمعیت جهان را به ویژه در کشورهای جهان سوم تشکیل می‌دهند و از طرفی، مهمترین بخش جمعیت جهان بشمار می‌روند. به زبان دیگر، این پیمان نامه بعد از اعلامیه حقوق بشر، مهمترین و بیشترین بخش جمعیت جهان را تحت حمایت خود قرار داده است.

مواد ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۷ به آزادی عقیده و بیان، آزادی اندیشه و مذهب و آزادی اجتماعی کودک به صراحت اشاره می‌کند.

● جامعه زمینی در هزاره سوم تلاش خواهد کرد که با اندیشه و فرهنگی واحد حرکت کند، هر چند ممکن است سالیانی دراز، بسترهای زبانی و نوشتاری متفاوتی داشته باشد. توپ و تانک اثر نخواهد داشت و آنکه ایدئولوژی برتر و فکر تازه‌تر و اندیشه ناب‌تر ارائه کند، فرهنگ جهانی را متأثر خواهد کرد.

«کودک حق دارد عقاید خود را بیان کند و بدون توجه به مرزها، کسب اطلاعات نماید و دولت‌ها باید آزادی اندیشه و مذهب کودک را محترم بشمارند و کودکان حق دارند که با یکدیگر ارتباط برقرار نمایند و تشکیل اجتماعات بدهند و دولت‌ها باید امکان دسترسی کودکان به اطلاعات مناسب را تضمین کنند.»

پیمان جهانی حقوق کودک در ماده ۲۲ به کودکان پناهنده، در ماده ۲۳ به کودکان معلول و در ماده ۳۰ به کودکان اقلیت‌های قومی و مذهبی می‌اندیشد.

خدمات بهداشتی، بررسی موقعیت کودک، تأمین اجتماعی، سطح زندگی، آموزش و پرورش مطلوب از دیگر مواد این پیمان نامه جهانی است.

ماده ۳۱ پیمان نامه به کودکان حق می‌دهد که بازی کنند، ورزش کنند، تفریح کنند و در فعالیت‌های فرهنگی و هنری مشارکت داشته باشند.

ماده ۳۲ پیمان نامه می‌گوید «کودک باید در برابر کاری که رشد و سلامت او را تهدید می‌کند، حمایت شود».

هرگونه استثمار، خرید و فروش کودکان، سوء استفاده جنسی و خصوصاً شرکت در تولید و توزیع مواد مخدر از جمله مواد ۲۳ تا ۳۶ این پیمان نامه است. که دولت‌ها را موظف کرده است که به کودکان به عنوان آینده سازان جوامع بشری با دقت بیندیشند.

□

کمی عاشقانه!

این پیمان نامه که حاصل سالها تجربه و کار مستمر کارشناسان و متخصصان علوم و مسایل کودک بشمار می‌رود از نگرشی علمی و صحیح نسبت به کودکان برخوردار بوده و به دور از تعصبات ملی، نژادی، سیاسی، مذهبی و قومی تهیه شده است.

من معتقدم پیمان جهانی کودک توسط نسلی از عاشقان جهان آینده، عاشقان هزاره سوم و بعد از آن طراحی شده است.

پیمان جهانی حقوق کودک توسط نسلی از عاشقان در نیمه دوم قرن بیستم، در سالهای بعد از جنگ جهانی اول و دوم، بعد از جنگ سرد ابرقدرتها، بعد از فروپاشی ایسم‌های مختلف نوشته شده است. نسلی از عاشقان به دور از هرگونه تعصب سیاسی و قومی به قرن بیست و یکم نگاه کرده‌اند. آنها آینده را در کودکان دیده‌اند. آنها فکر کرده‌اند که کودکان باید هویت داشته باشند، باید بقاء داشته باشند، باید رشد کنند و باید حمایت شوند. و این مهم بدون مشارکت همه جهانیان امکان‌پذیر نخواهد بود.

عاشقان هزاره سوم میلادی و هزاره‌های بعد از آن، در نیمه دوم قرن بیستم زندگی می‌کردند و می‌کنند. آنها عصر حجر، عصر باستان تا عصر فراتکنولوژی را دریافته‌اند آنها جهان آینده را با کودکان ترسیم کردند. برای من و شما چه افتخاری بزرگتر از آن، که در چنین سالهایی و با چنین نسلی زندگی کرده‌ایم. قرن بیست و یکم متعلق به کودکان امروز است. هزاره سوم متعلق به کودکان فردا است.

جهان آینده مال کودکان است. باید امروز آنها را در یابیم، سنگ‌های زیرین جامعه فردا را ما می‌سازیم. سنگ‌های زیرین جنگ جهانی اول و دوم را نیزه بدستان روم و ایران و مصر و اسپانیا و هلند در هزاره اول ساختند. باور نمی‌کنید، تاریخ را ورق بزنید.

کمی ارتباطات!

قرن بیست و یکم متعلق به کودکان است، اما ابزار دست این کودکان، تکنولوژی ارتباطات خواهد بود. چاپ و نشر، تلفن و موبایل، ماهواره و اینترنت، رادیو و تلویزیون، مجله و روزنامه، باسیم و بی سیم، همه ابزاری خواهند بود در دستان کودکانی که می‌خواهند جهان آینده را بسازند.

در دوره مکانیک (قرن ۱۷ و ۱۸ میلادی) و در دوره فتومکانیک (اواخر قرن ۱۹ و قرن ۲۰)، مردان و زنان تلاشگر و عاشقان تاریخ جهان، توانستند با اختراعات و اکتشافات خود برای کودکان هزاره سوم بیش از زنان و مردان ۱۶ قرن اولیه هزاره اول و دوم و قبل‌تر از تاریخ تلاش کنند و اثری ماندگار برای آنها به جای بگذارند.

تصور دهکده جهانی و یکی شدن مردمان زمین در کهکشان هستی، دیگر خیال نیست دولت‌ها نمی‌توانند با مرزهای زمینی و سیم خاردار و دیوارهای چین و برلین، کودکان آینده را از دوستی، رفاقت، همدلی، همراهی، همگامی و استفاده از دانش همگانی و تجربه‌های تاریخی منع کنند.

قرن بیست و یکم با کودکان و ابزار ارتباطات از زمین واحد حرف می‌زند. جامعه زمینیان به سمت و سوی قاره‌های جداگانه خواهد رفت و در نهایت جامعه زمینی در هزاره سوم تلاش خواهد کرد که با اندیشه و فرهنگی واحد حرکت کند، هر چند ممکن است سالیانی دراز، بسترهای زبانی و نوشتاری متفاوتی داشته باشد.

شما از تصور سوال کرده‌اید و من آنچه می‌نویسم تصور است، کسی را برای تصور و خیال و رویا نباید محاکمه کرد، تصور می‌کنم یا به زبانی دیگر آرزو می‌کنم، جهان آینده جهان کودکان باشد. جهان آینده در دستان کودکان با ابزار ارتباطات تصرف خواهد شد، توپ و تانک اثر نخواهد داشت و آنکه ایدئولوژی برتر و فکر تازه‌تر و اندیشه ناب‌تر ارائه کند، فرهنگ جهانی را متأثر خواهد کرد.

کمی روابط عمومی!

قرن بیست و یکم متعلق به کودکان است و ابزار دست این کودکان تکنولوژی ارتباطات خواهد بود، اما دانشی که آنها را به یکدیگر پیوند خواهد زد، دانش روابط عمومی است.

ابزار ارتباطات بستر مناسبی است تا کودکان با دانش روابط عمومی در آن آرام آرام، شناکتان به هزاره سوم وارد شوند. جامعه انسانی بدون کودکان، بدون ابزار ارتباطات و بدون دانش روابط عمومی می‌پژمرد، می‌میرد.

در جهانی که برای حرف زدن بین دو انسان ناشناس، لبخند زاده می‌شود، روابط عمومی اولین حرف ارتباطات است. گل با لبخند شکوفا می‌شود، لبخند بین دو انسان ناشناس، نگاه بین دو انسان ناشناس ایجاد ارتباط می‌کند. ارتباطات گفتاری و شنیداری، نوشتاری و دیداری، کرداری و رفتاری، با زیربنای دانش روابط عمومی شکل می‌گیرند.

کودکان با اندیشه‌های مهربانانه خود، در سنین دبستان و زیر ده سال، بدون کینه و نفرت زندگی می‌کنند، قهر و آشتی را از بزرگترها فرا می‌گیرند اما برای آنها زودگذر است، آنها با مهربانی می‌جنگند، با مهربانی قهر می‌کنند و با مهربانی همدیگر را می‌یابند. کودکان نیاز به معرفی دیگری ندارند، آنها پیروان «دل» هستند.

کودکان هر چقدر به دنیای بزرگسالی بیشتر نزدیک می‌شوند، دل را رها می‌کنند و عقل را می‌چسبند.

عقل به آنها آن چیزی را می‌دهد که اولیاء و مربیان بزرگسال در آن کاشته‌اند، در آن حک کرده‌اند، بزرگترها در او امیال نفسانی دیگری را می‌کارند، او زیاده خواه می‌شود، او بیشتر می‌طلبد، بیشتر می‌خواهد. او به فرهنگ دیگری دل می‌بندد و برای بیشتر داشتن و بیشتر خواستن، در بخش اقتصادی، سیاسی، قدرت، فرهنگ، خانواده و... می‌کوشد یا خود را آرام آرام می‌کشد.

دانش روابط عمومی به کودک دیروز، به بزرگسال امروز

کمک می‌کند، تا در میان این خواستن‌ها جایگاه خودش را پیدا کند.

تازه آنچه که او می‌یابد، همه دانش نیست، بخش اول علم روابط عمومی است. او بخشی از آن دانش را فرا می‌گیرد، که می‌تواند او را در راه بیشتر داشتن، کمک کند و بسیاری از بزرگسالان، سیاستمداران، ثروتمندان در همین جا توقف می‌کنند، می‌مانند و می‌میرند.

اگر آنها همه دانش روابط عمومی را فرا می‌گرفتند، دیگر جزء کسانی نبودند که همه خواستن‌ها و همه زیاده‌طلبی‌ها را فقط برای خود بخواهند.

با فراگرفتن هر دو بخش دانش، از فرد به جمع تبدیل می‌شدند و آنگاه به جامعه انسانی و جامعه جهانی می‌اندیشیدند.

من معتقدم، همه دانش روابط عمومی را کودکان جهان می‌دانند، کودکان زیر ده سال بهتر می‌دانند. آنها ژنی این دانش را کسب می‌کنند. آنها همدیگر را نگاه می‌کنند، لبخند می‌زنند و عاشق می‌شوند. به قول عوام، روابط عمومی در خون آنها است.

همه دانش روابط عمومی را مردان و زنان می‌دانند که از پایین به بالا نگاه می‌کنند، دیگران را بزرگ می‌بینند، مردم را شهروند درجه دو نمی‌دانند، مقام‌های دولتی را جاری آب می‌دانند.

همه دانش روابط عمومی را سیاستمداران می‌دانند که وقتی میز و صندلی و موبایل و اتومبیل را از آنها می‌گیری، باز هم هستند، همیشه هستند، حرف دارند، اندیشه دارند، خودشان به تنهایی، لخت و عور وجود دارند.

کمی شعارا!

با هم تکرار کنیم شاید باورمان شود که قرن بیست و یکم متعلق به کودکان است، متعلق به ابزار ارتباطات و دانش روابط عمومی است.

● این مقاله در روزنامه انتخاب دوشنبه ۲ اسفند ۱۳۷۸ به چاپ رسیده است.